

تبیین طلاق با رویکرد آنومی اجتماعی دورکیم در شهروندان متاهل شهر کرج

رضا عبدالرسولی^۱، افسانه ادیسی^۲، تقی آزاد ارمکی^۳

چکیده

پژوهش حاضر با هدف تبیین طلاق با رویکرد آنومی اجتماعی دورکیم در شهر کرج انجام شده است. از آنجا که طلاق بر زندگی فردی و اجتماعی افراد و خانواده‌ها تأثیر می‌گذارد و پیامدهای زیادی برای نظام اجتماعی دارد، این مسئله اجتماعی بااهمیت تلقی می‌شود. پژوهشگران از پارادایم واقعیت اجتماعی و با رویکرد اثبات‌گرایی به بررسی و تبیین طلاق به‌منزله واقعیت اجتماعی پرداخته‌اند. از «پیمایش» به‌منزله روش رجوع به واقعیت و برای جمع‌آوری اطلاعات نیز از ابزار «پرسش‌نامه» استفاده شده است. جامعه آماری را تمام متاهلان شهر کرج تشکیل می‌دهند. به روش نمونه‌گیری احتمالی، اطلاعات ۴۰۴ نفر از پاسخ‌گویان در دو گروه (اقدام‌کنندگان به طلاق و غیراقدام‌کنندگان به طلاق) جمع‌آوری و برای تحلیل داده‌ها نیز از جدول‌های توصیفی، آماره‌های استنباطی و رگرسیون چندمتغیره و تحلیل مسیر استفاده شده است.

در مجموع ۵۰/۵ درصد پاسخ‌گویان را اقدام‌کنندگان به طلاق و ۴۹/۵ درصد را غیراقدام‌کنندگان به طلاق تشکیل می‌دهند. دامنه سنی پاسخ‌گویان از ۱۶ سال تا ۶۹ سال است که بیشترین فراوانی طلاق به گروه‌های سنی ۲۵ تا ۴۵ سال مربوط است. مدل نهایی تحلیل مسیر حاکی از ارتباط معنادار متغیرها با اقدام به طلاق است؛ بدین معنی که متغیرهای آنومی اجتماعی و ارزیابی هزینه و فایده، به ترتیب ۳۴ و ۵۱ درصد بر اقدام به طلاق تأثیر مثبت و افزایش‌دهنده دارند و متغیر احساس تعلق اجتماعی ۳۷ درصد بر اقدام به طلاق تأثیر منفی و کاهش‌دهنده دارد.

واژه‌های کلیدی: خانواده، طلاق، آنومی اجتماعی، ارزیابی هزینه و فایده، احساس تعلق اجتماعی.

۱. دکترای علوم اجتماعی، واحد تهران‌شمال، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران
(rabdolrasouli@gmail.com) نویسنده مسئول

۲. دانشیار گروه علوم اجتماعی، واحد تهران‌شمال، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران.

۳. استاد جامعه‌شناسی، دانشکده علوم اجتماعی، دانشگاه تهران، تهران، ایران.

Divorce Explanation based on Durkheim Social Anomie among Married Citizens of Karaj

Reza Abdolrasouli¹
Afsaneh Edrisi²
Taghi Azadarmaki³,

Abstract

The present study aimed to explain divorce based on Durkheim's social anomie approach in Karaj. As divorce affects the lives of individuals and families beside many consequences for the social system, it is therefore considered as an important social issue. The researchers have studied and explained divorce as a social reality in view of the paradigm of social reality with a positivist approach. "Survey" was used as a method of referring to reality and a "questionnaire" was used to collect information. The statistical population consists of all married people in Karaj. The information of 404 respondents was collected in two groups by probabilistic sampling method (divorce attempt and non-divorce attempt). The descriptive tables, inferential statistics, multivariate regression and path analysis were used to analyze the data.

In total, %50.5 of the respondents are divorcees and %49.5 are non-divorcees. The age range of the respondents is from 16 to 69 years; the highest frequency of divorce is in the age groups of 25 to 45 years. The final model of path analysis showed a significant relationship between variables and attempt for divorce; This means that the variables of social anomie and cost-benefit assessment, respectively, had %34 and %51 positive and increasing effect on attempt for divorce - the variable of social belonging had %37 negative and decreasing effect on divorce.

Keyword: Family, Divorce, Social anomie, Cost-Benefit Assessment, Sense of Social Belonging

-
1. PhD. in Social Science, Tehran-North Branch, Azad Islamic University, Tehran, Iran, (corresponding author; rabdolrasouli@gmail.com)
 2. Associate Professor, Department of Social Science, Tehran-North Branch, Azad Islamic University, Tehran, Iran
 3. Professor, Sociology, Faculty of Social Science, Tehran University, Tehran, Iran

مقدمه

بررسی طلاق بدون توجه به شرایط اجتماعی و اقتصادی جامعه و نیروهای اثرگذار بر خانواده امکان‌پذیر نیست. هرچند طلاق قدمتی به درازنای تاریخ خانواده دارد، اما بررسی علمی موضوع به منزله مسئله‌ای اجتماعی با رنسانس و دگرگونی‌های صنعتی شدن مرتبط است. جامعه سنتی ایران و عرصه خانواده در اثر نفوذ تمدن غرب و برنامه‌های نوسازی و به‌مدد تغییرات فناورانه، فرهنگی و اجتماعی ناشی از آن، تغییرات و دگرگونی‌های عمده‌ای یافته است. این دگرگونی‌ها از زمان ناصرالدین شاه قاجار آغاز شده و تاکنون نیز ادامه دارد. جامعه ایرانی در عصر حاضر در کشاکش نیروها و مسائل اجتماعی متعددی قرار دارد. از یک طرف جامعه‌ای هستیم که سنت‌های دینی، اجتماعی و فرهنگی تأثیر زیادی در کنش‌گری فرد ایرانی دارد و حمایت و عزم دولت و نهادهای مرتبط در احیای ارزش‌های سنتی و دینی، نشان‌دهنده ماندگاری سنت‌ها و اهمیت آن دست‌کم در بخشی از جامعه است. نیروی اثرگذار دیگر، مدرنیته و تجدد است. فرایندی که در آن تقسیم کار اجتماعی به تدریج و مستمرآ زمینه مناسب‌تری را برای رقابت افراد فراهم کرده و فرصت‌های جدیدی برای تحقق آرمان‌های فردی و آزادی وی ایجاد کرده است. به نظر دور کیم تجدد موجب فردیت نوظهور شده است (خوشرو، ۱۳۷۴). با ظهور رسانه‌های نوین ارتباطی و اطلاعاتی، و دسترسی و تبادل آزاد اطلاعات، فردیت خانواده‌های ایرانی به‌ویژه زنان، ظهور و بروز بیشتری یافته است و از این طریق نگرش‌ها، ارزش‌ها، هنجارها و سبک و سیاق زندگی مردم به‌طور چشمگیری تغییر کرده است. مسئله دیگری که چند سالی است جامعه ایران با آن مواجه است دگرگونی‌ها و افت‌وخیزهای پی‌درپی اقتصادی است که آثار شدیدی بر زندگی اقتصادی و اجتماعی مردم برجای گذاشته است. فقیر شدن عده زیادی از خانواده‌ها و ثروت‌اندوزی گروه اندکی به افزایش فاصله طبقاتی و تضعیف قشر متوسط جامعه منجر و خانواده بیش از گذشته در تأمین نیازهای اساسی خود ناتوان شده است. وجود مجموع این عوامل و متغیرها، زمینه را برای ظهور مسائل متعدد اجتماعی از جمله طلاق فراهم کرده است که از آن به «آنومی اجتماعی» یاد می‌کنیم. آنومی اجتماعی مفهومی جدید و هم‌زاد تمدن صنعتی غرب است.

در وضعیت آنومیک تناسب بین امکانات و نیازها به هم می‌خورد و نیروهای تنظیم‌کننده بیرونی و قیدوبندها و محدودیت‌های انتظام‌بخش در شرایط بحران‌های اقتصادی اثرگذاری خود را از دست می‌دهد و در این شرایط تناسب آرزوها و خواسته‌ها و

امکانات به هم می‌خورد (دورکیم، ۱۸۹۷، ترجمه سالارزاده، ۱۳۸۹). در این شرایط جامعه باید در تربیت اخلاقی خود تجدیدنظر کند و از آنجا که جامعه نمی‌تواند به‌طور آنی خود را بازسازی کند و افراد را با زندگی نو، همساز و هماهنگ سازد، بنابراین نمی‌تواند با شرایطی که برایشان پیش آمده است خود را سازگار کنند (دورکیم، ۱۸۹۷، ترجمه سالارزاده، ۱۳۸۹). در شرایط رونق و رفاه اقتصادی نیز آرزوها و خواسته‌های افراد سیر صعودی پیدا می‌کند و چون شرایط زندگی عوض شده است مقیاس سلسله‌مراتب نیازها نمی‌تواند خود را با شرایط اجتماعی تغییر، منطبق کند و از آنجا که جانشین شدن یک مقیاس جدید نیز به زمان طولانی نیاز دارد تا در وجدان عمومی از نو طبقه‌بندی شود، تا زمانی که نیروهای اجتماعی که به این صورت آزاد شده‌اند بتوانند تعادل خود را به دست آورند ارزش مرتبط با هر یک از آن‌ها نامشخص باقی خواهد ماند و هرگونه قاعده‌بندی برای مدتی محو می‌شود و در این صورت انسان نمی‌داند چه چیز درست و چه چیز نادرست است (دورکیم، ۱۸۹۷، ترجمه سالارزاده، ۱۳۸۹). الزام آور نبودن هنجارهای سنتی از یک طرف و جایگزین نشدن هنجارهای متناسب با شرایط جدید در کشور از طرف دیگر موجب سردرگمی و بلاتکلیفی مردم شده است. برهم خوردن تعادل اقتصادی و وجود نابرابری‌های اجتماعی موجب مقایسه‌های اجتماعی و محرومیت نسبی شدید بین مردم و خانواده‌ها شده است و هرکسی شرایط خود را با دیگران مقایسه و ارزیابی، و احساس بی‌عدالتی می‌کند. در این صورت آمال و آرزوهای محقق‌نشده زیادی در سر پرورنده شده که امکان دستیابی به آن در شرایط فعلی میسر نیست. خانواده و زن و شوهر نیز از این قاعده مستثنی نیستند. در این وضعیت نابه‌سامان، زن و شوهر و آشنایان و بستگان این خانواده‌ها نیز نمی‌دانند قاعده و معیار درست رفتار کدام است. چگونه با یکدیگر تعامل کنند، نیازها و خواسته‌های هم از یکدیگر کدام‌اند و در صورت به مشکل خوردن با همسر چگونه رفتار کنند. در نتیجه هر یک از طرفین فکر می‌کنند آن چیزی را که خود می‌اندیشند و عمل می‌کنند معیار درست رفتار است و تلاش می‌کنند تا نظر خود را به کرسی بنشانند و درستی آن را به اثبات برسانند. این وضعیت بی‌هنجاری و بلاتکلیفی در کنار خواسته‌ها و نیازهای پاسخ‌داده‌نشده بی‌حد و حصر، هم‌بستگی میان اعضای خانواده را به هم می‌ریزد و خانواده دچار اضمحلال و طلاق و خشونت می‌شود. خانواده و زندگی زناشویی که کانون اعتماد، محبت و مهرورزی است به عرصه خشونت و جنگ زوجین و خانواده‌ها تبدیل شده است و روابط زوجین بیش از همه کالایی و مادی شده و محاسبه سود و زیان در

رأس کنش زوجین قرار گرفته است. عرصه خانه و خانواده و زندگی زناشویی مدت‌هاست با مشکل جدی مواجه شده است. روابط زناشویی در بسیاری از زوجها مدتی پس از ازدواج با بحران مواجه و به طلاق منجر می‌شود. بسیاری از زوجها علی‌رغم زیستن زیر سقفی مشترک به دلایلی امکان جدایی قانونی ندارند و زندگی مشترک به اجبار ادامه می‌یابد و از این امر به طلاق عاطفی یاد می‌شود که بخش قابل توجهی از خانواده‌های ایرانی با این مشکل مواجه‌اند. با توجه به افزایش سطح تحصیلات و سرمایه فرهنگی خانم‌ها در سال‌های اخیر و ورود آن‌ها به بازار کار، قدرت اجتماعی و اقتصادی خانم‌ها نیز در مقایسه با گذشته افزایش یافته است و متناسب با این تغییرات، قوانین و برخی سنت‌ها و کلیشه‌های اجتماعی و فرهنگی در مورد برتری مردان، کهنتری زن‌ها و چگونگی تعامل زوجین در خانواده‌ها همچنان پابرجاست و به منزله مانعی در جلوگیری از نفوذ زنان عمل می‌کند. از طرف دیگر برخی قوانین وضع شده در راستای حمایت از نهاد خانواده و حقوق زنان و همچنین دخالت نهاد دولت نیز در اقداماتی مانند «مدیریت اقتصادی ازدواج» یا «ساماندهی مهریه» و مانند آن، نهاد ازدواج را کالایی و دیوانی می‌کند و به جای کنترل رشد مهریه، آن را از یک ضمانت فرهنگی دارای دلالت‌های اقتصادی، به مقوله‌ای پولی صرف تبدیل می‌کند (قانعی راد، ۱۳۹۶) و ساحت مردان نیز در این فرایند گذار و تغییر ارزش‌ها مورد تعرض قرار گرفته و در نهایت به آسیب‌رسانی بیشتر خانواده منجر شده است. آنچه در بالا مطرح شده تنها بخشی از مسائلی است که خانواده ایرانی با آن مواجه است. از نظر بسیاری از کارشناسان (معیدفر، ۱۳۸۵؛ ابادری، ۱۳۹۳؛ رفیع‌پور، ۱۳۷۸؛ فکوهی، ۱۳۹۸ و ...) جامعه ایرانی در شرایط کنونی در وضعیت آنومیک به سر می‌برد. یکی از پیامدهای مهم این وضعیت در کشور مسئله طلاق است. علی‌رغم تحقیقات متعددی که در رابطه با طلاق انجام شده و نهادهایی که برای ساماندهی حوزه خانواده شکل گرفته است، مشکلات خانواده همچنان پابرجاست و طلاق از نموده‌های عینی و ملموس آن است که از نظر جامعه نیز مسئله‌ای اجتماعی و بااهمیت تلقی می‌شود. از آنجا که شهر کرج به منزله یکی از کلان‌شهرهای کشور اقوام مهاجر زیادی را نیز در خود جای داده است بررسی ارتباط آنومی اجتماعی و مسائل مرتبط با خانواده اهمیت بیشتری دارد. حال سؤال اساسی این است که آیا آنومی اجتماعی با اقدام به طلاق در خانواده‌های شهر کرج ارتباط دارد یا خیر؟ آیا متغیرهای واسطه و اثرگذار دیگری بر اقدام به طلاق خانواده‌های شهر کرج مؤثرند یا خیر؟ بنابراین هدف اصلی پژوهش تبیین طلاق با رویکرد آنومی اجتماعی در شهروندان متأهل شهر کرج است.

پیشینه پژوهش

با مرور پژوهش‌های انجام‌شده، آنومی اجتماعی و طلاق از منظر و رویکردهای متفاوت مورد توجه قرار گرفته است. رفیع‌پور (۱۳۷۸، ۱۳۸۶) به بررسی علل شکل‌گیری آنومی اجتماعی در بروز رفتار آنومیک و فساد در شهر تهران پرداخته است. مرجایی (۱۳۸۲) در بررسی سنجش احساس آنومی میان جوانان تهرانی نشان می‌دهد که افزایش احساس آنومی اجتماعی موجب افزایش آنومی اقتصادی، و افزایش احساس آنومی اجتماعی و اقتصادی، متفقاً به افزایش آنومی سیاسی منجر می‌شود. یافته‌های کوثری و نجات حسینی (۱۳۸۸) در بررسی پتانسیل آنومی اجتماعی در مناطق حاشیه‌ای شهر تهران حاکی از آن است که میزان آنومی پاسخ‌گویان در متغیرهای آنومی فردی، ناخشنودی اجتماعی، بدبینی اجتماعی و احساس محرومیت نسبی در مجموع بالاست. طالبی و همکاران (۱۳۹۴) با بررسی تأثیر احساس آنومی بر امکان‌کنش ارتباطی شهروندان مشهدی، نشان دادند که متغیرهای بی‌معنایی و بی‌قدرتی به واسطه بت‌وارگی نقش تعیین‌کننده‌ای در کنش ارتباطی دارند. آزاد ارمکی و شریفی ساعی (۱۳۹۷) با بررسی عوامل اجتماعی مؤثر بر رابطه جنسی آنومیک پیش از ازدواج، به این نتیجه رسیدند که در صورت عدم ارضای نیاز جوانان، آن‌ها دچار آنومی می‌شوند و با شیوه‌های جدید فرهنگی زمینه را برای شکل‌گیری روابط جدید فراهم می‌کنند. مستمع و همکاران (۱۳۹۷) در تبیین عوامل مؤثر بر آنومی اجتماعی در خانواده‌های شهر تهران، برخوردها و تضادهای فرهنگی جامعه چندقومیتی و نبود وفاق هنجاری را عامل آنومی اجتماعی می‌دانند.

پنجه‌بند و عنایت (۱۳۹۵) در مطالعه‌ای کیفی، اجباری بودن ازدواج، ابزاری بودن انتخاب همسر، فرهنگ شرم و حیای اغلب خانواده‌ها و فاصله زیاد سنی بین زوجین را از عوامل اصلی شکل‌گیری رابطه فرازنشویی از نگاه مردان و سست شدن بنیان خانواده‌ها برشمرده‌اند. در بررسی نبوی و همکاران (۱۳۹۵) برآورده نشدن انتظارات، دخالت دیگران، فشار مالی و فردگرایی با گرایش زوجه به طلاق رابطه مستقیم و طول مدت زندگی مشترک، دین‌داری و پنداشت فرد از پایگاه خود با گرایش زوجه به طلاق رابطه معکوس دارد. فسایی و ایثاری (۱۳۹۴) با سنخ‌بندی طلاق به عقلانی، اجباری و عاطفی براساس عاملیت افراد، خاستگاه‌ها، زمینه‌ها و ویژگی‌های خاص آن‌ها را مورد توجه قرار دادند. چراغی و همکاران (۱۳۹۴) کیفیت پایین رابطه با خانواده همسر و دخالت خانواده همسر را از پیش‌بینی‌کننده‌های اصلی انحلال خانواده می‌دانند. از نظر علی‌مندگاری (۱۳۹۳)

متعین‌های ساختاری مردسالارانه، استقلال اقتصادی و اطلاعاتی زن و دخالت اطرافیان در زندگی مشترک از متغیرهای اصلی تأثیرگذار بر طلاق محسوب می‌شوند. یافته‌های وینگ و چانگ^۱ و هالپینگ^۲ (۲۰۰۲) در مطالعه پنل خانوار در انگلستان (BHPS)^۳ حاکی از آن است که فعالیت‌های پاره‌وقت زنان در زندگی زناشویی افزایش یافته است، مردان بیش از زنان از زندگی زناشویی خود رضایت دارند، و اینکه متغیرهای سن و درآمد با طلاق رابطه منفی دارند و احتمال خطر طلاق در چند سال اول زندگی افزایش می‌یابد. آندرسون^۳ (۲۰۱۶) تأثیر دوره‌های زندگی خانوادگی (ازدواج، والد شدن و انحلال زندگی زناشویی) را بر نگرش مردم سوئد نسبت به طلاق بررسی کرده است و نتایج نشان می‌دهد وقوع و تکرار خانواده‌های غیرسستی مانند هم‌باشی و انحلال زندگی زناشویی با تحمل عمومی نسبت به این پدیده‌ها همراه بوده است.

مبانی نظری: نظریه آنومی اجتماعی دور کیم

در دیدگاه دور کیم خانواده از نظر تحلیلی در راستای حفظ نظام، هم‌بستگی اجتماعی و جامعوی مورد توجه قرار می‌گیرد. به نظر وی خانواده موجب تقویت هم‌بستگی اجتماعی در جامعه می‌شود و دارای کارکرد مثبت در جهت حفظ نظام و سازمان اجتماعی است و گسترش طلاق و افزایش آن در سطح وسیع، انسجام اجتماعی را در سطح کلان به هم زده و در سطح خرد نیز به بی‌سازمانی خانوادگی منجر شده است و کارکرد خانواده و جامعه را با اختلال مواجه می‌کند.

دور کیم با مراجعه به پرسش اساسی خود در مورد «چگونگی ظهور و نقش آفرینی فرد مدرن» بر فهم خانواده متمرکز شده است (آزاد ارمکی، ۱۳۹۵، صص ۱۸-۱۷). مدرنیته و تجدد به منزله فرایندی که در آن تقسیم کار اجتماعی به تدریج و مستمراً جایگزین تقسیم کار طبیعی می‌شود، دو جریان به ظاهر متضاد را با خود به همراه آورده است: رشد خودمختاری فردی و افزایش وابستگی فردی؛ و اگر فردیت نوظهور تحت نظارت و نظم اخلاقی جدید قرار نگیرد به خودخواهی و تباهی می‌انجامد (خوشرو و غلامعلی، ۱۳۷۴). دور کیم خانواده را کانون اخلاق، مکتب اخلاص، از خود گذشتگی و وحدت اخلاقی

1. Chan & Halpin
2. British Household Panel Study
3. Anderson

می‌داند و معتقد است «خانواده گروهی است که تمامی وجود آدمی را دربر می‌گیرد، هیچ چیز از حیطه آن بیرون نمی‌ماند. همه چیز در آن بازتاب پیدا می‌کند. مینیاتوری است از جامعه سیاسی. گروه حرفه‌ای، برعکس، جز بخش معینی از وجود آدمی را به‌طور مستقیم دربر نمی‌گیرد، یعنی آنچه به حرفه مربوط است» (دورکیم، ۱۹۶۹، موسوی، ۱۳۹۱، صص ۷۸-۷۹). آنچه دورکیم درباره طلاق نوشته است تعمق و تفکر بیشتر او درباره هم‌بستگی جامعه‌ی و خانوادگی است. باوجود توجه به جزئیات آماری، توجه او بیشتر به سمت سطح بالایی از تجزیه و تحلیل نظری هدایت می‌شود (لامانا، ۲۰۰۲). طلاق مشکلی اجتماعی است که نه فقط در کتاب خودکشی بلکه درباره آن اغلب به‌صورت کلی بحث کرده است. دورکیم مخالف طلاق با رضایت متقابل بود (لامانا، ۲۰۰۲، ص ۱۳۹). به‌نظر می‌رسد دورکیم نگران توافق وسیعی در جهت گسترش طلاق بود. او تلاش کرد تا مشخص کند که مخالفت او با طلاق توافقی [طلاق با رضایت متقابل زوجین] نوعی واکنش محافظه‌کارانه نیست (لامانا، ۲۰۰۲، ص ۱۳۹). آزادی طلاق برای فرد مضر است و خوشبختی زوجین به نظم زناشویی بستگی دارد (لامانا، ۲۰۰۲، ص ۱۴۱). تعداد افرادی که طلاق گرفته و مرتکب خودکشی شده‌اند زیاد نیست، اما ترجیحاً وقتی طلاق به‌راحتی در دسترس باشد اشخاص متأهلی که مرتکب خودکشی شوند نیز بیشتر می‌شود. جایی که طلاق رایج است اثر محافظتی ازدواج کم‌تر است. آسان بودن بیش از حد طلاق کارکرد ضد آنومیک ازدواج را تقلیل می‌دهد. «مقرراتی که فرد خودش را بدان متعهد می‌کند تنها وقتی بدان پای‌بند خواهد ماند که با مقررات دیگری در تضاد نباشد» (لامانا، ۲۰۰۲، ص ۱۴۱). از نظر دورکیم ازدواج از نوع هم‌باشی موجب نقصان زن می‌شود و زن نمی‌تواند این نقصان را بپذیرد. این امر بی‌حرمتی به زنی است که بدون کم‌وکاست وظایف خودش را (در زندگی زناشویی) انجام می‌دهد. بنابراین، ازدواج تنها شکل وحدت جنسی برای زن است که او می‌تواند بدون شکست به خودش پردازد و تنها در این صورت است که او نقش خود را به‌منزله فردی انسانی بازی می‌کند (لامانا، ۲۰۰۲، ص ۱۴۲). دورکیم معتقد است ازدواج به‌شکل قانونی آن مایه تحکیم و انسجام اجتماعی و طلاق در سطح وسیع و زیاد آن موجب به هم خوردن انسجام اجتماعی است و جامعه باید به‌منظور تقویت انسجام اجتماعی به ازدواج قانونی و رسمی اهمیت بدهد و در جهت تحکیم خانواده گام بردارد. اندیشه محوری دورکیم مناسبات فرد با جامعه است. از این رو دغدغه اصلی وی بنا

نهادن یک نظام اخلاقی جدید (برقراری رابطه فرد با گروه) به منظور ایجاد انسجام و هم‌بستگی جامعه‌ی بود.

شهوات بشری فقط در برابر یک نیروی اخلاقی معتبر باز می‌ایستند. اگر هیچ نوع اقتدار اخلاقی معتبری وجود نداشته باشد تنها قانون جنگل فرمانروا خواهد بود، و ستیزه‌جویی به صورت پنهان یا به شکل حاد، ناگزیر حالتی مزمن به خود خواهد گرفت. ... هدف جامعه این است که جنگ میان آدمیان را از میان بردارد یا دست کم تعدیلش کند و به جای قانون جنگل، که می‌گوید حق با قوی‌تر است، قانونی عالی‌تر را مستقر سازد (دورکیم، ۱۸۹۳، ترجمه پرهام، ۱۳۸۱، ص ۱۰).

عوامل اجتماعی مؤثر بر طلاق از دیدگاه دورکیم (دیدگاه آنومی اجتماعی او) را می‌توان در سطوح مختلفی از خرد تا کلان جست‌وجو کرد. عوامل و متغیرهای کلان علل پیدایش پدیده‌ای را در سطح وسیع‌تر جست‌وجو می‌کنند و زمینه‌های عمیق‌تر آن را نشان می‌دهند و متغیرهای سطح خرد علل جزئی‌تر را نشان می‌دهند. از نظر دورکیم پایه اصلی مسئله اجتماعی تولید نیاز و عدم ارضای نیاز است (رفیع‌پور، ۱۳۸۶، ص ۲۵) که «طلاق» نیز به منزله مسئله‌ای اجتماعی معلولی از این فرایند است. فرایند تولید نیاز و عدم ارضای نیاز بدین صورت شکل می‌گیرد که بحران‌های اقتصادی یا رشد سریع اقتصادی موجب دست‌یابی عده‌ای به ثروت ناگهانی و زیاد، و فقر عده زیاد دیگر در جامعه می‌شود. فقرا با مشاهده وضعیت خوب ثروتمندان احساس نیاز بیشتر می‌کنند و در آن‌ها آرزوهایی به وجود می‌آید که قبل از آن نداشتند. بدین ترتیب فقر برای آن‌ها تحمل‌ناپذیر می‌شود. در این فرایند هم‌زمان نظام ارزشی و هنجاری سنتی و معمول، به سرعت دگرگون می‌شوند، توجیحات معمول که موجب رضایت از وضعیت موجود و تحمل آن می‌شوند قدرت تأثیرگذاری خود را ازدست می‌دهند. بنابراین، در پی مشاهده فقر خود و ثروت دیگران تعادل افراد به هم می‌خورد و پذیرش این وضعیت برایشان دشوار می‌شود و بدین ترتیب از وضعیت موجود ناراضی می‌شوند (رفیع‌پور، ۱۳۸۶). از نظر دورکیم آنچه موجب مسائل و بحران‌های اجتماعی می‌شود نه فقر یا رفاه اقتصادی بلکه ناگهانی بودن تغییرات و برهم خوردن تعادل ناشی از آن است. اگر تغییرات کند و تدریجی باشد انسان خود را با آن منطبق می‌کند، اما تغییرات ناگهانی و سریع موجب سردرگمی و بلاتکلیفی انسان می‌شود و انسان نمی‌تواند خود را با این تغییرات هماهنگ کند. اما در این فرایند حلقه واسط تبدیل بحران‌های اجتماعی به بحران‌های اقتصادی یکی لزوم تناسب بین نیازها، خواسته‌ها و

امکانات و دیگری تمایلات نامحدود و سیری ناپذیر انسان است (ناییبی و همکاران، ۱۳۹۶). «هیچ موجود زنده‌ای نمی‌تواند شادمان باشد یا حتی به زندگی ادامه دهد، مگر اینکه نیازهایش به حد کافی متناسب با امکاناتش باشد. به عبارت دیگر، اگر بیش از امکاناتش بخواهد، یا صرفاً چیز دیگری را طلب کند، به‌طور ممتد خواسته‌هایش سرکوب می‌شود و نمی‌تواند بدون درد و رنج کار خود را به‌خوبی انجام دهد» (دورکیم، ۱۸۹۷، ترجمه سالارزاده، ۱۳۸۹، ص ۲۹۰). به‌نظر دورکیم تمایلات انسان نامحدود و سیری ناپذیر است و برای تعادل بین امکانات و تمایلات نامحدود، به تنظیم‌کننده‌های بیرونی نیاز است. نه در سرشت اندامی، نه در سرشت روانی انسان، نشانه‌ای که حاکی از محدودیت این گرایش‌ها باشد، نمی‌توان پیدا کرد ... در نتیجه تا آن اندازه که آن‌ها به خود فرد وابسته هستند غیرمحدود [نامحدود] می‌باشند. صرف‌نظر از هر نیروی تنظیم‌کننده بیرونی، ظرفیت و توانایی و حساسیتشان در خود به‌مثابه یک گودال بی‌انتهایی است که هیچ چیز نمی‌تواند آن را پر کند. اما این حالت هم، اگر هیچ چیز خارجی نتواند این توانایی حساسیت را مهار کند، این احساسات چیزی جز یک منبع رنج و ناراحتی نیست (دورکیم، ۱۸۹۷، ترجمه سالارزاده، ۱۳۸۹، ص ۲۹۲).

بنابراین وظیفه کنترل و اعمال محدودیت بر این خواسته‌ها و تمایلات بر عهده جامعه یا گروه‌های اجتماعی‌ای است که فرد در آن زیست می‌کند و بدان وابسته است. دورکیم شرایط یک جامعه باثبات و عادی (نرمال) را این‌گونه توصیف می‌کند. یک نظام‌نامه واقعی وجود دارد که هرچند همیشه به‌صورت حقوقی تنظیم نشده است، ولی با صراحت نسبی، حداکثر میزان رفاهی را که هر طبقه اجتماعی به‌طور مشروع در آرزوی رسیدن به آن است تعیین می‌کند ... هرکس در فضای فعالیتش به‌طور مبهم از حد نهایی که تا آنجا می‌تواند بلندپروازی‌هایش را پیش برد، واقعیت می‌بخشد و به هیچ وجه آرزویی بیش از آن ندارد» و اگر به قواعد احترام بگذارد و از اقتدار جمعی پیروی کند کمال مطلوب اقتصادی که به هر دسته از شهروندان تخصیص می‌یابد متأثر از برخی محدودیت‌هاست که تنها و در درون آن‌هاست که آرزوها می‌توانند با آزادی در جنب‌وجوش باشند و تنها در این صورت است که هرکس با شرایطش هماهنگ می‌شود و امید و آرزوهایش چیزی جز دریافت پاداش معمولی فعالیت‌های مشروع نیست (دورکیم، ۱۸۹۷، ترجمه سالارزاده، ۱۳۸۹، ص ۲۹۵).

به‌نظر دورکیم در شرایط بحران‌های اقتصادی، نظارت جامعه و قیدوبندهای

انتظام بخش و اخلاقی جامعه تضعیف می شود و نتیجه منطقی این فرایند به هم خوردن تناسب آرزوها و امکانات موجود است که این امر به مسائل و بحران های اجتماعی متعدد از جمله طلاق منجر می شود.

تنها هنگامی که جامعه آشفته می شود، خواه این آشفتگی ناشی از بحران دردناک یا ناشی از تحولات سعادت آفرین اما ناگهانی باشد، بحران هایی که حاکی از نفع مادی است، به طور ناگهانی انتقال می یابند. در این حالت، جامعه به طور موقت توانایی اثرگذاری را از دست می دهد و در اینجاست که صعود ناگهانی منحنی خودکشی ها ... را نشان می دهد. در واقع، در حالت بحران های اقتصادی است که ترتیب و نظم طبقاتی برهم می خورد و ناگهان برخی از افراد در موقعیت پایین تری نسبت به کسانی که تا حال آن را اشغال کرده بودند، افکنده می شوند (دور کیم، ۱۸۹۷، ترجمه سالارزاده، ۱۳۸۹، ص ۲۹۹).

دور کیم معتقد است افراد در این شرایط بحرانی باید «از خواست و تمایلات خود بکاهند و نیازهای خود را محدود سازند، یعنی خود را بیشتر جمع و جور و کنترل کنند. تمام امتیازهای ناشی از اثر اجتماعی که به آنها مربوط می شود، از دست می رود؛ در تربیت اخلاقی خود باید تجدیدنظر و آن را بازسازی کنند و جامعه نمی تواند به طور آنی افراد را با زندگی نو، همساز و هماهنگ کند و به آنها تمرین تحمیل بار اضافی این منازعه را نسبت به آنچه عادت نداشتند، بیاموزد. بنابراین آنها نمی توانند با شرایطی که برایشان فراهم شده است، سازگار شوند و حتی دورنمای آینده آن نیز برای آنها غیر قابل اغماض و دشوار می شود. از اینجاست که رنج و ناراحتی آنها را به سوی یک هستی کاهش یافته پیش از آنکه حتی تجربه آن را داشته باشند، می کشاند» (دور کیم، ۱۸۹۷، ترجمه سالارزاده، ۱۳۸۹، ص ۳۰۰). در شرایط رفاه اقتصادی ناگهانی نیز آرزوها و خواسته های افراد سیر صعودی پیدا می کند و تعادل اجتماعی مجدداً بهم می خورد.

اگر بحران ها ناشی از افزایش ناگهانی قدرت و ثروت باشد، وضعیت طور دیگری نیست. در واقع در این حال، چون شرایط زندگی عوض شده اند مقیاسی که طبق آن، سلسله مراتب نیازها تنظیم می شدند، دیگر نمی تواند مانند قبل باشد، زیرا خود معیارها با شرایط اجتماعی تغییر می کند، چرا که به طور کلی سهمی را که به هر طبقه ای از مولدها باید برمی گشت، تعیین می کند، مرتبه بندی آن نیز به هم خورده است و یک مقیاس جدید هم نمی تواند فوری جانشین آن شود. به زمان طولانی نیاز است تا انسان و اشیا در وجدان عمومی از نو طبقه بندی شوند. تا زمانی که نیروهای اجتماعی که به این صورت آزاد

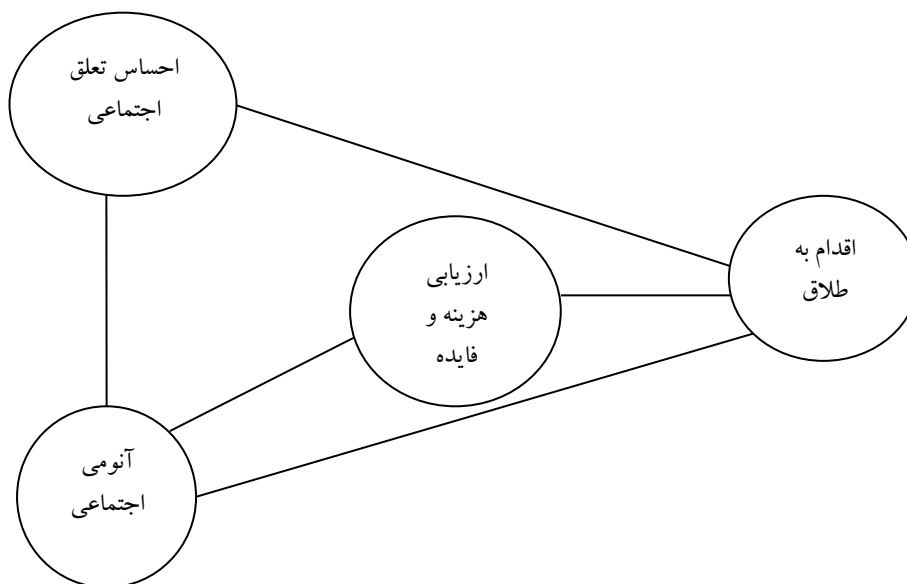
شده‌اند، بتوانند تعادل خود را به دست آورند، ارزش مرتبط با هر کدام از آن‌ها به صورت نامشخص باقی خواهد ماند و در نتیجه هر گونه قاعده‌بندی برای مدتی ناپدید می‌شود. در این صورت انسان نمی‌داند چه چیز مقدور و چه چیز نامقدور است، چه چیزی درست است و چه چیزی نادرست است، خواست‌ها و امیدهای مشروع کدام‌ها هستند و کدام‌ها از حد و حدود درمی‌گذرند. به دنبال آن انسان می‌تواند مدعی هر چیزی باشد (دورکیم، ۱۸۹۷، ترجمه سالرزاده، ۱۳۸۹، ص ۲۹۹).

نظریهٔ آنومی اجتماعی دورکیم یکی از نظریه‌های مهم در جامعه‌شناسی است که برای شرایط اجتماعی جامعهٔ کنونی ایران قابل استفاده است. جامعهٔ سنتی برخوردار از هماهنگی و تعادل نسبی، به تدریج با برنامه‌های نوسازی دچار تغییر هنجاری و ارزشی شده است. انسان‌های برخوردار از شبکه‌های اجتماعی سنتی جای خود را به خانواده‌های هسته‌ای جدا از یکدیگر داده‌اند. در این ساختار جدید زندگی، روابط سنتی خویشاوندی، هنجارها و الزامات ارزشی آن به تدریج نفوذ و اثربخشی گذشته را از دست داده و هنجارها و قواعد اخلاقی متناسب با تقسیم کار جدید نیز در جامعه قوام و دوام نیافته‌اند و جایگزینی و نهادینه شدن هنجارهای جدید نیز مستلزم وجود عوامل متعددی مانند وفاق سیاسی و اجتماعی، تعادل و ثبات اجتماعی و اقتصادی است. به نظر بسیاری از متخصصان علوم اجتماعی (رفیع پور، ۱۳۸۷؛ معیدفر، ۱۳۸۵؛ اباذری، ۱۳۹۳؛ کوثری، ۱۳۹۳، فکوهی، ۱۳۹۸) جامعهٔ ایران در وضعیت آنومیک و نامتعادل اجتماعی و اقتصادی قرار دارد. وضعیت آنومیک وضعیتی است که فرد در پریشانی و سرگشتگی است، هنجارها با یکدیگر درستینند، و فرد سازگاری خود را با برخی از هنجارهای اجتماعی از دست می‌دهد (محسنی تبریزی، ۱۳۸۳، ص ۵۲). وضعیتی که «در قالب آن جامعه راهنمای اخلاقی ضعیفی برای افراد فراهم می‌کند» و به علت تعارض نظام‌های اعتقادی و تضعیف پیوندهای اجتماعی فرد با اجتماع، این وضعیت گسترش می‌یابد (ویکی پدیا، ۲۰۲۰). در مجموع از نظر دورکیم دگرگونی در ارزش‌ها و هنجارهای سنتی، عدم جایگزینی معیارهای جدید، تضعیف معیارهای تنظیم‌بخش و کنترل‌کنندهٔ جامعه، بحران‌های مداوم اقتصادی، عدم پایبندی افراد به هنجارها و ارزش‌ها (تضعیف اخلاقیات جامعه)، رنج و ناراحتی روبه‌تزايد و سرگشتگی افراد، آرزوهای بی‌حد و حصر، محرومیت نسبی، عدم تناسب خواست‌ها و نیازها با امکانات و ... به مثابهٔ وضعیت آنومیک در جامعه است (دورکیم، ۱۸۹۷، ترجمه سالرزاده، ۱۳۸۹، ص ۲۹۰، ۲۹۲، ۲۹۵، ۲۹۹).

در جامعه آنومیک به ویژه با شرایط جامعه ایران، یک نوع رفتار فرهنگی، اجتماعی، اقتصادی و سیاسی خاصی حاکم است. یک نظام ارزشی است که روابط بین انسان‌ها، ارزش‌ها و خواسته‌های آن‌ها را تعیین و تنظیم می‌کند. در این نظام ارزشی تمام پیوندهای انسانی مبتنی بر الفت به روابط حسودانه و تضاد آور و لذا تخریب کننده تبدیل می‌شود. نظام اجتماعی کارکرد خود را از دست می‌دهد و به تدریج فلج می‌شود. در نتیجه نارضایتی دائم به وجود می‌آید که در آن فرد هرگز به ثبات نخواهد رسید. نظام مولد و خودکاری شکل گرفته است که همواره حسادت، تضاد و نارضایتی تولید می‌کند (رفیع پور، ۱۳۹۳، ص ۱۹۵). بیشتر مردم از نظر اجتماعی دچار بلاتکلیفی، سردرگمی و نگرانی هستند. بحران‌های اقتصادی موجب شده است گروه‌هایی از قشرهای بالا و متوسط رو به بالای جامعه که فرصت‌های بیشتری برای گسترش ثروت خود دارند از فرصت‌های پیش آمده برای مال‌اندوزی و افزایش بی‌حد و حصر درآمدهای خود برآیند و فاصله خود را از قشرهای دیگر بیش از گذشته افزایش دهند و ثروت و برتری خود را به نمایش می‌گذارند. قشرهای متوسط پایین و پایین جامعه و حقوق‌بگیران نیز که خود را از این قافله اقتصادی و ثروت‌اندوزی عقب می‌بینند نگران وضعیت خود در مقایسه با قشرها و طبقات همسان و هم‌جوار خود هستند که اوضاع اقتصادی خوبی پیدا کرده‌اند. این امر موجب شکل‌گیری مقایسه اجتماعی و آرزوهای بی‌حد و حصر برآورده نشده می‌شود. شکل‌گیری آرزوهای بی‌حد و حصر برآورده نشده و مقایسه اجتماعی به محرومیت نسبی و نارضایتی و پرخاشگری بین افراد و خانواده‌ها منجر می‌شود. بر این اساس خانواده کانون مقایسه‌های اجتماعی، آرزوهای برآورده نشده، احساس محرومیت نسبی بین اعضای خود می‌شود. کم‌اثر شدن قاعده‌ها و راهنمای اخلاقی سنتی در بین بخشی از جوانان و مردم و رواج ارزش‌های جدید موجب هم‌زیستی ارزش‌های متعارض در جامعه و خانواده‌ها شده است. وجود همین ارزش‌های متعارض در خانواده یکی از دلایل اختلاف زناشویی و طلاق است. در گذشته به دلیل نفوذ و قدرت سنت‌ها و ارزش‌های دینی، زوجین زیر فشارهای هنجاری و کنترل اجتماعی بالا قرار داشتند و در صورت بروز اختلاف‌های زناشویی، زمینه جدایی و طلاق کم‌تر فراهم بود و نیروهای اجتماعی ناظر بر خانواده‌ها (شبکه خویشاوندی به منزله چشم و ناظر جامعه و زندگی زناشویی) ورود پیدا می‌کردند و با پادرمیانی و وساطت مانع جدایی و طلاق می‌شدند. اما اکنون به دلیل ظهور و بروز فردیت، زوجین کم‌تر تحت تأثیر فشارهای سنگین کنترل اجتماعی هستند. در این شرایط ورود به رابطه دوجانبه زناشویی به منزله یک وضعیت تبادلی است که طرفین دائماً

روابط خود را سبک و سنگین و زندگی خود را با داده‌ها و ستانده‌ها ارزیابی می‌کنند (قانع‌ی راد، ۱۳۹۶، صص ۲۰-۲۱). این امر از یک طرف بدین معنی است که هر رابطه‌ی زناشویی بدون دخالت شبکه‌ی خویشاوندی و صرفاً به دلایل فردی نیز می‌تواند گسسته شود؛ از طرف دیگر سبک و سنگین کردن دائمی رابطه‌ی خود با همسر بدین معنی است که فرد در متن اجتماع و در یک مقایسه و مسابقت اجتماعی به چنین ارزیابی‌ای دست می‌زند و چنین مقایسه‌هایی خود به منزله‌ی وضعیت آنومیک و گسیختگی اجتماعی است یا اینکه وضعیت نابهنجار و گسیختگی اجتماعی را تشدید می‌کند؛ چنین شرایطی بدان معناست که ارزش‌ها و معیارهای جمعی تحکیم‌بخش و انسجام‌بخش و مورد وفاق در جامعه کارایی و اثرگذاری خود را ازدست داده یا اثرگذاری آن به شدت تقلیل یافته است.

باتوجه به مطالب بالا، آنومی اجتماعی از مؤلفه‌های (۱) احساس محرومیت نسبی، (۲) آرزوهای بی‌حد و حصر و برآورده‌نشده، (۳) احساس عدم امنیت خانوادگی، (۴) ناخشنودی اجتماعی، (۵) تفریحات ناسالم در فضای مجازی، و (۶) ناسازگاری منزلتی تشکیل شده و ارتباط آن با اقدام به طلاق مورد بررسی قرار گرفته است. نکته‌ی مهم دیگر آنکه طبق دستگاه نظری دورکیم احساس تعلق اجتماعی می‌تواند در کاهش آنومی اجتماعی مؤثر باشد؛ از این رو این متغیر به منزله‌ی متغیر مداخله‌گر وارد محاسبه شده است. متغیر مهم و اثرگذار دیگر در نظریه‌ی دورکیم طبقه‌ی اجتماعی است. از نظر وی هر قدر افراد از طبقه‌ی پایین‌تر باشند، سطح انتظار آن‌ها پایین‌تر است و بنابراین کم‌تر از طبقه‌های دیگر دچار آنومی می‌شوند. در پژوهش حاضر این متغیر نیز وارد محاسبه شده است، اما به دلیل عدم پاسخ‌گویی پاسخ‌گویان به سؤالات و گویه‌های درآمدی، متغیر طبقه اجتماعی از فرایند تحلیل حذف گردید. متغیر دیگری که وارد تحلیل شده است، متغیر ارزیابی هزینه و فایده است. همان‌طور که در سطور بالا بیان شده است از آنجا که زوجین به دلیل ظهور و بروز فردیت، در مقایسه با گذشته کم‌تر تحت تأثیر فشارهای سنگین اجتماعی هستند و از طرف دیگر «سبک و سنگین کردن و ارزیابی دائمی رابطه خود با همسر در یک فضای مقایسه‌ای و در متن اجتماع با شرایط خاص ایران» به تشدید وضعیت نابهنجار و گسیختگی اجتماعی منجر می‌شود، در نتیجه متغیر «ارزیابی هزینه و فایده» یکی از متغیرهای مهم و اثرگذار آنومی اجتماعی محسوب می‌شود و با توجه به اهمیت این متغیر در فرایند پژوهش حاضر، ارتباط آن با سایر متغیرها به عنوان متغیر مداخله‌گر مورد بررسی قرار گرفته است. در نمودار ۱ متغیرهای وارد شده در تحلیل به تصویر کشیده شده است.



نمودار ۱ مدل نظری پژوهش (مدل اولیه)

فرضیه‌های پژوهش

فرضیه ۱: به نظر می‌رسد آنومی اجتماعی در دو گروه اقدام‌کنندگان و غیر اقدام‌کنندگان طلاق تفاوت معناداری دارد (آزمون t مستقل برای تجمیع ۶ بعد آنومی اجتماعی).

فرضیه ۲: به نظر می‌رسد احساس تعلق اجتماعی در دو گروه اقدام‌کنندگان و غیر اقدام‌کنندگان طلاق تفاوت معناداری دارد (آزمون t مستقل)

فرضیه ۳: به نظر می‌رسد ارزیابی زوجین از هزینه و فایده زندگی در دو گروه اقدام‌کنندگان طلاق و غیراقدام‌کنندگان طلاق تفاوت معناداری دارد (آزمون t مستقل).

روش

پژوهش حاضر در قالب پارادایم واقعیت اجتماعی انجام شده و استراتژی پژوهشی، استراتژی قیاسی با هدف آزمون فرضیه‌های منتج از نظریه یا انطباق آن با داده‌ها (بلیکی، ۱۹۹۳، ترجمه آقابیک‌پوری، ۱۳۹۲، ص ۲۳) و روش تحقیق، کمی و پیمایشی است. پیمایش مجموعه منظمی از داده‌هاست که اطلاعاتی درباره متغیرها یا خصوصیات یکسان

دست کم دو مورد یا خیلی بیشتر، به دست می‌دهد و به ماتریس داده‌ها می‌رسیم (دواس، ۱۹۹۵، ترجمه نایی، ۱۳۷۶، ص ۱۳-۱۴). ابزار گردآوری اطلاعات پرسش‌نامه محقق ساخته است. جمعیت آماری شامل تمام خانواده‌های متأهل شهر کرج است و نمونه پژوهش از درون این جمعیت انتخاب شده و پژوهش حاضر شامل دو نمونه است: نمونه الف شامل خانواده‌هایی که زوجین در آن با هم امکان سازگاری و زندگی مشترک ندارند و برای جدایی به دادگاه خانواده مراجعه و اقدام به طلاق کرده‌اند، و نمونه ب شامل زوج‌های متأهلی که با هم زیر یک سقف زندگی می‌کنند و برای جدایی و طلاق اقدام نکرده‌اند.

حجم نمونه نیز تابعی است از امکانات و مقدرات پژوهشگر، جمعیت آماری و مانند آن. حجم نمونه براساس فرمول کوکران و اطلاعات موجود، رقم ۳۸۴ به دست آمده است. با مشورت استادان راهنما و مشاور، حجم نمونه برابر ۴۳۰ نفر افزایش داده شده است تا دامنه خطا به حداقل برسد. پس از حذف پرسش‌نامه‌های ناقص، بی‌جواب و مخدوش، اطلاعات ۴۰۴ پرسش‌نامه مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت.

نمونه‌گیری به صورت تصادفی و احتمالی انجام شده است. در نمونه «الف» یا اقدام‌کنندگان طلاق، نمونه‌گیری در تنها مرکز مشاوره دادگاه خانواده شهر کرج انجام شده است و در مورد نمونه «ب» یا غیراقدام‌کنندگان طلاق، شهروندان در سطح شهر کرج به صورت نمونه‌گیری خوشه‌ای چندمرحله‌ای انتخاب شدند.

پژوهشگر در تعیین ابزار سنجش متغیرها و مفاهیم به کار رفته در پژوهش از اعتبار محتوایی^۱ یا بررسی دقیق سنجه مفهوم در پرتو معنای آن و طرح این پرسش جدی که آیا ابزار سنجش واقعاً مفهوم مورد نظر را می‌سنجد یا نه، بهره جسته است (بیکر، ۱۳۸۱، صص ۱۳۸-۱۳۹). بدین منظور قبل از اجرای پرسش‌نامه، طی چندین مرحله از نظرات اصلاحی و تخصصی استادان راهنما و مشاور و چند نفر از استادان و متخصصان این حوزه در اصلاح پرسش‌نامه استفاده شده است. در بحث مربوط به پایایی نیز، این سؤال مهم مطرح می‌شود که «در یک ابزار اندازه‌گیری چقدر خطای اندازه‌گیری وجود دارد؟» (کرلینجر، ۱۹۸۲، ترجمه سرایی، ۱۳۸۴، ص ۱۱۳)؛ بنابراین هرچه خطای وسیله اندازه‌گیری کم‌تر، پایایی بیشتر و هر قدر خطای اندازه‌گیری بیشتر، پایایی آن کم‌تر است. در پژوهش حاضر پرسش‌نامه‌های نهایی مربوط و اصلاح‌شده، روی نمونه کوچک و مشابه نمونه تحقیق

(۲۰ نفر) پیش‌آزمون^۱ شد و در این مرحله نیز نواقص و ابهامات احتمالی پرسش‌نامه‌ها برطرف گردید. کم‌ترین مقدار ضریب هم‌بستگی صفر و بیشترین مقدار آن برابر ۱ است. هر قدر ضریب هم‌بستگی بیشتر باشد سازگاری درونی گویه‌ها بیشتر است و بالعکس. در ادامه ضرایب آلفای کرونباخ متغیرهای مورد استفاده در پژوهش در دو گروه اقدام‌کنندگان طلاق (پرسش‌نامه الف) و کسانی که اقدام به طلاق نکرده‌اند (پرسش‌نامه ب) در جدول ۱ آورده شده است. ضرایب مندرج در جدول حاکی از سازگاری درونی بالای گویه‌های هر متغیر است.

جدول ۱ ضرایب آلفای کرونباخ متغیرها در دو گروه اقدام‌کنندگان و غیراقدام‌کنندگان به طلاق

تعداد گویه	میزان آلفای کرونباخ پرسش‌نامه «ب»	میزان آلفای کرونباخ پرسش‌نامه «الف»	نام متغیر	نوع متغیر
۶	۰/۸۷۲	۰/۸۵۷	احساس محرومیت نسبی	ابعاد آنومی اجتماعی (مستقل)
۸	۰/۷۳۶	۰/۷۷۳	آرزوهای بی‌حد و حصر	
۱۱	۰/۸۹۶	۰/۷۹۰	احساس عدم امنیت خانوادگی	
۶	۰/۷۴۸	۰/۸۴۴	ناخشنودی اجتماعی	
۶	۰/۸۴۴	۰/۷۴۴	تفریحات ناسالم در فضای مجازی	
۴	۰/۷۱۵	۰/۸۲۱	ناسازگاری منزلتی	
۹	۰/۸۳۰	۰/۷۸۰	احساس تعلق اجتماعی	
۱۰	۰/۷۵۲	۰/۷۶۵	ارزیابی هزینه و فایده از زندگی	

تعریف مفهومی مفاهیم

خانواده و ازدواج: «خانواده گروهی از افرادی است که با ارتباطات خویشاوندی مستقیماً پیوند یافته‌اند، و اعضای بزرگ‌سال آن مسئولیت مراقبت از کودکان را به عهده دارند. پیوندهای خویشاوندی ارتباطات میان افراد است که یا از طریق ازدواج برقرار گردیده‌اند، یا از طریق تبار که خویشاوندان خونی (مادران، پدران، فرزندان دیگر،

پدر بزرگ‌ها و غیره) را با یکدیگر مرتبط می‌سازد. ازدواج می‌تواند به‌عنوان پیوند جنسی از نظر اجتماعی به رسمیت شناخته شده و پسندیده بین دو فرد بزرگ‌سال تعریف شود. هنگامی که دو نفر ازدواج می‌کنند، با یکدیگر خویشاوند می‌شوند، اما پیوند ازدواج شمار زیاده‌تری از خویشاوندان را نیز با همدیگر مرتبط می‌سازد. والدین، برادران، خواهران و سایر خویشاوندان خونی، خویشاوند شریک ازدواج می‌شوند» (گیدنز، ۱۹۹۰، ترجمه صبور، ۱۳۷۹، ص ۴۲۴).

طلاق: واژه طلاق از نظر شرعی به معنی زائل کردن قید نکاح با صیغه مخصوص است. از نظر حقوقی «طلاق ایقاعی است تشریفاتی که به موجب آن مرد، به اذن یا حکم دادگاه زنی را که به‌طور دائم در قید زوجیت اوست رها می‌سازد» (پناهنده، ۱۳۸۶). به عبارت دیگر طلاق انحلال یک ازدواج رسمی است که طرفین آن هنوز در قید حیات هستند و بعد از آن آزادند تا دوباره ازدواج کنند (کوپر و کوپر، ۱۹۸۸). منظور از اقدام کنندگان به طلاق زوجینی هستند که تقاضای طلاق داده و مراحل اجرایی طلاق در دادگاه‌های خانواده انجام شده است.

آنومی اجتماعی: «وضعیتی است که در قالب آن جامعه راهنمای اخلاقی ضعیفی برای افراد فراهم می‌کند». این امر به علت تعارض نظام‌های اعتقادی و تضعیف پیوندهای اجتماعی فرد با اجتماع گسترش می‌یابد. هم شرایط اقتصادی و هم جامعه‌پذیری اولیه در گسترش آنومی دخالت دارد. آنومی باعث رشد ناسازگاری فرد جهت ادغام در موقعیت‌های هنجاری جهان اجتماعی می‌شود (ویکی‌پدیا، ۱۳۹۹)؛ به عبارت دیگر آنومی وضعیتی از بی‌ثباتی در جوامع یا افراد در نتیجه تضعیف استانداردها (معیارها) و ارزش‌ها یا به دلیل فقدان اهداف و ایدئال‌هاست (بریتانیکا، ۲۰۱۹). دورکیم دگرگونی در ارزش‌ها و هنجارهای سنتی، عدم جایگزینی معیارهای جدید، تضعیف اخلاقیات جامعه، بی‌قاعدگی، تضعیف معیارهای تنظیم‌بخش و کنترل‌کننده جامعه، عدم پای‌بندی افراد به هنجارها و ارزش‌ها، رنج و ناراحتی رو به تزاید و سرگشتگی افراد، آرزوهای بی‌حد و حصر، بحران‌های مداوم اقتصادی، رشد سریع اقتصادی، محرومیت نسبی، عدم تناسب خواست‌ها و نیازها با امکانات را به‌مثابه وضعیت آنومیک در جامعه می‌داند (دورکیم، ۱۸۹۷، ترجمه سالارزاده، ۱۳۸۹، ص ۲۹۰، ۲۹۲، ۲۹۵، ۲۹۹). در این پژوهش برای سنجش آنومی اجتماعی ۶ بعد در نظر گرفته شده است که در ادامه به آن‌ها اشاره می‌شود.

• آنومی اجتماعی

- احساس محرومیت نسبی: به معنی اختلاف بین سطحی از زندگی که فرد در آن به سر می‌برد، و آنچه فکر می‌کند باید در عمل از آن برخوردار باشد. به عبارت دیگر، اختلاف بین سطح زندگی موجود فرد با سطح زندگی مطلوب او که معمولاً با سطح زندگی موجود فردی دیگر مقایسه می‌شود (گیدنز، ۱۹۹۰، ترجمه صبوری، ۱۳۷۹، ص ۶۲۲). برای سنجش سنجش این مفهوم از ۶ گویه محقق ساخته استفاده شده است.

- آرزوهای بی‌حد و حصر و نیازهای برآورده نشده: طبق نظر دورکیم وجود بحران‌های ناگهانی اقتصادی باعث از بین رفتن توجیحات معمول در پذیرش شرایط معمول شده و به دلیل ناکامی افراد در دستیابی به نیازهای اولیه زندگی، مقایسه اجتماعی در افراد شکل گرفته و به ایجاد نیازها و آرزوهای جدید بی‌حد و حصر در افراد جامعه منجر می‌شود و در نتیجه پذیرش شرایط زندگی کنونی برای او تحمل‌ناپذیر می‌شود (رفیع پور، ۱۳۷۸، ص ۲۶، ۲۸-۳۲). برای سنجش این مفهوم ۸ گویه محقق ساخته در نظر گرفته شده است.

- احساس عدم امنیت: این احساس را می‌توان به معنی درامان بودن یا درامان حس کردن خود از تهدید تعریف کرد. در عوض احساس ناامنی و ترس بر وضعیتی دلالت دارد که در آن افراد با محیط تهدیدکننده مواجه هستند (امیرکافی، ۱۳۸۷). احساس عدم امنیت خانوادگی به وضعیتی دلالت دارد که فرد در آن احساس نگرانی، تهدید و ناامنی می‌کند. در تعریف عملی احساس امنیت به بُعد امنیت اقتصادی و عاطفی و اخلاقی تفکیک شده است. تقسیم‌بندی امنیت اقتصادی از پژوهش یاری و هزارجریبی (۱۳۹۱) و امنیت عاطفی و اخلاقی از ساروخانی و نویدنیا (۱۳۸۵) اخذ شده است. مؤلفه اصلی امنیت اقتصادی درآمد کافی و ثبات درآمد است. احساس امنیت اقتصادی با معرف‌هایی نظیر امنیت شغلی، امید به بهبود اقتصادی، درآمد کافی تأمین نیازهای ضروری اقتصادی سنجیده می‌شود. احساس امنیت عاطفی و اخلاقی با معرف‌هایی نظیر احساس ترس در خانه، مورد سرزنش قرار گرفتن توسط همسر و خانواده وی، عدم اعتماد و صمیمی نبودن، عدم اعتماد و ... سنجیده شده است. برای سنجش این مفهوم با الهام از تعریف نظری، تعداد ۱۱ گویه توسط پژوهشگر و با کمک استاد راهنما طراحی شده است.

- ناخشنودی اجتماعی: عدم رضایت و ناخشنودی مردم از وضع زندگی خود و جامعه که در نتیجه تغییرات اقتصادی و اجتماعی پدید آمده است (کوثری و نجات حسینی، ۱۳۸۸، ص ۱۹۹). برای سنجش این بعد از آنومی اجتماعی از ۶ گویه محقق ساخته استفاده شده است.

- روابط و تفریحات ناسالم در فضای مجازی: منظور علاقه‌کاربران به فضای مجازی (اینترنت، ماهواره، واتس‌آپ، و ... برای برقرار ارتباط نهانی با اشخاص جدید یا دیدن فیلم‌های غیراخلاقی، یا استفاده مدام از سایت‌هایی که با ارزش‌های رایج و مورد توافق جامعه مغایر باشد. این مفهوم با معرف‌هایی نظیر برقراری رابطه احساسی و دوست‌یابی با جنس مخالف، دیدن فیلم‌های غیراخلاقی و گفت‌وگوهای تصویری با افراد ناشناس تعریف شده و برای سنجش آن از ۶ گویه محقق ساخته استفاده شده است.

- ناسازگاری منزلتی: منزلت به معنی مقام فرد یا گروه با توجه به توزیع شأن (حیثیت) در یک نظام اجتماعی است (رفیع‌پور، ۱۳۹۴). اعتباری که معاصران فرد به‌طور عینی در بطن جامعه‌ای که در آن حیات می‌گذرانند، به فرد تفویض می‌کنند و فرد سعی می‌کند به‌طور ذهنی آن را حفظ یا در نظر دیگران نگهداری کند (بیرو، ۱۳۸۰). ناسازگاری منزلتی به معنی عدم تناسب رتبه‌های فرد از حیث درآمد، تحصیلات و منزلت شغلی است که موجب ایجاد احساس بی‌عدالتی در افراد می‌شود (پاک‌سرشت و صفری، ۱۳۹۲). برای سنجش این مفهوم از ۴ گویه محقق ساخته استفاده شده است.

• احساس تعلق اجتماعی: حس تعلق اجتماعی به معنی وابستگی به اجتماع یا گروهی معین و یکی از مبانی مهم احساس مسئولیت اجتماعی و از ارکان روابط مناسب و ثمربخش با جامعه و گروه است که طی آن مسئولیت‌پذیری و اعتماد اجتماعی افزایش می‌یابد و به مشارکت می‌انجامد (ناطق‌پور، ۱۳۸۳). حس تعلق اجتماعی از نظر دورکیم با وجدان جمعی گره خورده است. از نظر وی وجدان جمعی مجموع اعتقادات و احساسات مشترک، در میانگین افراد هر جامعه است و مستقل از افراد جامعه به حیات خود ادامه می‌دهد (دورکیم، ۱۸۹۳، ترجمه پرهام، ۱۳۸۱). از نظر وی وجدان جمعی از دو عنصر باورها و احساسات مشترک تشکیل شده است (دورکیم، ۱۸۹۷، ترجمه سالارزاده، ۱۳۷۸). با این توضیحات حس تعلق اجتماعی وضعیتی احساسی، شناختی و رفتاری است که در فرد وفاداری و التزام به جمع، قواعد، نقش‌ها، هنجارها و ارزش‌ها را ایجاد می‌کند و باعث می‌شود وی با انتظارات دیگران سازگاری و تطابق یابد (مبارکی و صلاحی، ۱۳۹۲). بر این اساس احساس تعلق اجتماعی در سه بعد احساسی (وفاداری)، شناختی (احساس هویت و هویت‌یابی) و عملی (درگیری و مشارکت) تفکیک شده با ۹ گویه محقق ساخته مورد سنجش قرار گرفته است.

• ارزیابی هزینه و فایده از زندگی مشترک: منظور از ارزیابی هزینه و فایده از زندگی مشترک اجتماعی این است که در مجموع شرکا در یک رابطه زناشویی مشترک

چقدر احساس فایده یا ضرر کنند. هرگاه این رابطه نتایج سودمندی برای طرفین داشته باشد تداوم می یابد و اگر منافع متقابل حفظ نشود احتمالاً قطع خواهد شد. اگر همسران از زندگی خود ناخشنود باشند و رابطه همچنان تداوم یابد دلیل آن محدودیت‌های دیگری مانند عدم تأیید گروه هم‌سالان، گروه خویشاوندان، وجود فرزندان و ... است که مانع قطع این رابطه می شود (جیمز و همکاران، ۲۰۱۵). متغیرهای زیادی از جمله مقایسه اجتماعی در این امر دخیل هستند. این مفهوم به چهار بُعد «ارزیابی از زندگی»، «موانع و محدودیت‌های طلاق»، «جاذبه‌های زندگی بعد از طلاق»، «موانع و هزینه‌های زندگی مشترک» تقسیم و با ۱۰ گویه محقق ساخته سنجیده شده است.

یافته‌های توصیفی پژوهش

جدول ۲ توزیع فراوانی و درصدی پاسخ‌گویان

وضعیت طلاق	فراوانی	درصد معتبر
عدم اقدام به طلاق	۲۰۰	٪۴۹/۵
اقدام به طلاق	۲۰۴	٪۵۰/۵
جمع	۴۰۴	٪۱۰۰

باتوجه به حجم نمونه بررسی شده و طبق نتایج به دست آمده از جدول ۲، تقریباً نیمی از پاسخ‌گویان را (۵۰/۵ درصد) گروه اقدام‌کنندگان به طلاق و نیم دیگر (۴۹/۵) را گروه غیراقدام‌کنندگان به طلاق تشکیل می‌دهند و به این صورت ۱۰۰ درصد حجم نمونه کامل می‌شود.

جدول ۳ مقایسه فراوانی درصدی پاسخ‌گویان دو گروه به تفکیک جنسیت

جنسیت	گروه	طلاق		مجموع
		عدم اقدام به طلاق	اقدام به طلاق	
مرد	فراوانی	۵۶	۶۵	۱۲۱
	درصد ستونی	٪۲۸	٪۳۱/۹	٪۳۰
زن	فراوانی	۱۴۴	۱۳۹	۲۸۳
	درصد ستونی	٪۷۲	٪۶۸/۱	٪۷۰
مجموع	فراوانی	۲۰۰	۲۰۴	۴۰۴
	درصد ستونی	٪۱۰۰	٪۱۰۰	٪۱۰۰

۲۸ درصد کسانی را که اقدام به طلاق نکرده‌اند مردان و ۷۲ درصد را زنان تشکیل داده‌اند، درحالی که در گروه اقدام‌کنندگان به طلاق این رقم برای مردان حدود ۳۲ درصد و برای زنان حدود ۶۸ درصد است.

جدول ۴ مقایسه سنی طبقه‌بندی‌شده در دو گروه اقدام به طلاق و عدم اقدام به طلاق

کل	جنسیت		دامنه سنی	
	زن (درصد)	مرد (درصد)		
۵/۴	۴/۹	۰/۵	۱۶-۲۵	
۳۴/۶	۲۲/۲	۱۲/۴	۲۵/۱-۳۵	عدم اقدام به طلاق
۳۱/۹	۲۳/۸	۸/۱	۳۵/۱-۴۵	
۲۸/۱	۲۱/۶	۶/۵	۴۵/۱-۶۹	
۱۰۰	۷۲/۴	۲۷/۶	کل	
۱۴/۵	۱۳	۱/۵	۱۶-۲۵	
۴۵/۱	۳۲/۱	۱۳	۲۵/۱-۳۵	اقدام به طلاق
۲۸	۱۵	۱۳	۳۵/۱-۴۵	
۱۲/۴	۸/۳	۴/۱	۴۵/۱-۶۹	
۱۰۰	۶۸/۴	۳۱/۶	کل	
۱۰/۱	۹	۱/۱	۱۶-۲۵	
۳۹/۹	۲۷/۲	۱۲/۷	۲۵/۱-۳۵	کل
۲۹/۹	۱۹/۳	۱۰/۶	۳۵/۱-۴۵	
۲۰/۱	۱۴/۸	۵/۳	۴۵/۱-۶۹	
۱۰۰	۷۰/۴	۲۹/۶	کل	

جدول ۴ حاوی اطلاعات چندی است: اول اینکه دامنه سنی پاسخ‌گویان بین ۱۶ تا ۶۹ سال است؛ دوم این نکته که بیشترین فراوانی در دو گروه اقدام‌کنندگان به طلاق و غیراقدام‌کنندگان به طلاق، مربوط به دامنه سنی ۲۵ تا ۴۵ سال است؛ سوم اینکه ۱۴/۵ درصد اقدام‌کنندگان به طلاق در دامنه سنی ۱۶ تا ۲۵ سال قرار دارند که نشان می‌دهد بخشی از اقدام به طلاق در همان چند سال اول زندگی واقع می‌شود و چهارم این نکته که واقعه طلاق می‌تواند از بدو ازدواج (۱۶ سالگی) تا سن پیری (۶۹ سالگی) اتفاق بیفتد.

جدول ۵ تعداد فرزندان پاسخ‌گویان در دو گروه را نشان می‌دهد. در میان گروه عدم اقدام به طلاق ۲۰/۱ درصد فاقد فرزند و ۷۹/۹ درصد پاسخ‌گویان صاحب فرزند هستند، در مقابل در میان گروه اقدام به طلاق ۳۶/۸ درصد فاقد فرزند و ۶۳/۲ درصد پاسخ‌گویان صاحب فرزند هستند. بالا بودن درصد اقدام‌کنندگان به طلاق که دارای فرزند هستند، نشانه‌ای از مشکلات پیش‌روی خانواده‌ها و فرزندان طلاق در شهر کرج است.

جدول ۵ مقایسه تعداد فرزندان در دو گروه اقدام به طلاق و عدم اقدام به طلاق

جنسیت	گروه	طلاق		مجموع
		عدم اقدام به طلاق	اقدام به طلاق	
ندارم	فراوانی	۴۰	۷۵	۱۱۵
	درصد ستونی	٪۲۰/۱	٪۳۶/۸	٪۲۸/۵
دارم	فراوانی	۱۵۹	۱۲۹	۲۸۸
	درصد ستونی	٪۷۹/۹	٪۶۳/۲	٪۷۱/۵
مجموع	فراوانی	۱۹۹	۲۰۴	۴۰۳
	درصد ستونی	٪۱۰۰	٪۱۰۰	٪۱۰۰

یافته‌ها

باتوجه به اینکه در پژوهش حاضر دو گروه مستقل وجود دارد و پژوهشگر قصد مقایسه میانگین‌های این دو گروه را دارد، بنابراین آزمون مناسب برای بررسی معناداری رابطه این نوع داده‌ها، آزمون t مستقل است. سطح سنجش متغیرهای مندرج در جدول‌های ۶ تا ۸ (آنومی اجتماعی، ارزیابی هزینه و فایده از زندگی و احساس تعلق اجتماعی) فاصله‌ای است.

فرضیه: به نظر می‌رسد آنومی اجتماعی در دو گروه اقدام‌کنندگان به طلاق و غیر اقدام‌کنندگان به طلاق تفاوت معناداری دارد. (آزمون t مستقل برای تجمیع ۷ بعد آنومی اجتماعی).

زندگی مشترک در دو گروه اقدام‌کنندگان به طلاق و غیراقدام‌کنندگان به طلاق متفاوت است. بنابراین بر اساس اطلاعات موجود، فرضیه تحقیق تأیید و فرضیه H_0 رد می‌شود. علامت منفی t حاکی از آن است که ارزیابی زوجین از هزینه و فایده زندگی در گروه دوم یعنی اقدام‌کنندگان به طلاق بالاتر از گروهی است که اقدام به طلاق نکرده‌اند.

فرضیه: به نظر می‌رسد احساس تعلق اجتماعی در دو گروه اقدام‌کنندگان طلاق و غیراقدام‌کنندگان به طلاق تفاوت معناداری دارد (آزمون t مستقل، متغیر مداخله‌گر).
توضیح فرضیه: توسعه ساختاری خانواده هسته‌ای موجب کاهش ارتباط‌های اجتماعی خانوادگی و شبکه ارتباط فامیلی و این امر به کاهش نظارت و کنترل اجتماعی منجر شده است. در نتیجه تضعیف کنترل اجتماعی و ضعف در نظام نظارت فامیلی، زوجین در حل مشکلات و مسائل زناشویی و خانوادگی ناتوان و بی‌یاور مانده‌اند و این امر به تجمع مشکلات حل‌نشده زناشویی و طلاق منجر می‌شود.

باتوجه به نتایج به دست آمده از جدول ۸، آزمون لوین که به بررسی همگنی واریانس‌ها بین گروه‌ها می‌پردازد با سطح معناداری $0/17$ (Sig) حاکی از آن است که واریانس متغیر احساس تعلق اجتماعی در بین دو گروه اقدام‌کنندگان به طلاق و غیراقدام‌کنندگان به طلاق برابر است.

باتوجه به نتایج آزمون تی (T) با واریانس برابر در دو گروه، در فاصله اطمینان ۹۵ درصد با سطح معناداری (Sig) برابر $0/000$ ، میزان درجه آزادی (df) 402 و میزان تی (T) $7/87$ ، تفاوت معنادار است، به عبارت دیگر میانگین احساس تعلق اجتماعی در دو گروه اقدام‌کنندگان به طلاق و غیراقدام‌کنندگان به طلاق متفاوت است. بنابراین براساس اطلاعات موجود فرضیه تحقیق تأیید و فرضیه H_0 رد می‌شود. علامت مثبت T حاکی از آن است که احساس تعلق اجتماعی در گروه اول یعنی کسانی که اقدام به طلاق نکرده‌اند، بالاتر از گروه دوم یعنی اقدام‌کنندگان به طلاق است. معنی جامعه‌شناختی این یافته این است که هر قدر افراد از روابط اجتماعی پایدار با خانواده‌ها و اقوام و دوستان برخوردار باشند (التزام بیشتر به جمع) علی‌رغم وجود آنومی اجتماعی و تحت تأثیر بودن آن، کم‌تر دست به اقدام به طلاق می‌زنند.

جدول ۸ آزمون تی (T) متغیر احساس تعلق اجتماعی در دو گروه مستقل متغیر اقدام کنندگان به طلاق و غیر اقدام به طلاق

فاصله اطمینان ۹۵٪		تفاوت خطای استاندارد	تفاوت میانگین‌ها	Sig.(2- ailed) معناداری (دو دامنه)	Df (درجه آزادی)	T (آزمون تی)	Sig (معناداری)	F (آزمون اف)		
کران پایین	کران بالا									
۳/۳۹	۵/۶۵	۰/۵۷	۴/۵۲	۰/۰۰۰	۴۰۲	۷/۸۷	۰/۱۷۶	۱/۸۳	واریانس برابر	احساس تعلق
۳/۳۹	۵/۶۶	۰/۵۷	-۱۱/۱۷	۰/۰۰۰	۴۰۲	۷/۸۶			واریانس نابرابر	اجتماعی

تحلیل مسیر

تحلیل مسیر به منزله روشی برای مطالعه تأثیرات مستقیم و غیرمستقیم متغیرهایی که علت در نظر گرفته شده‌اند در متغیرهایی که معلول فرض شده‌اند به کار گرفته می‌شود. به عبارت دیگر این روش در مورد مدل‌هایی به کار گرفته می‌شوند که بر مبنای دانش و ملاحظات نظری تدوین شده باشند (کرلینجر، ۱۹۸۲، ترجمه سرایی، ۱۳۸۴، ص ۴۱۶). مطابق آنچه در قسمت ملاحظات نظری و فرضیه‌ها بیان شد، با آنچه در مدل حاصل از یافته‌های پژوهش، ترسیم شده در شکل ۱ آمده همخوانی دارد. متغیرهای آنومی اجتماعی و ارزیابی هزینه و فایده بر اقدام به طلاق تأثیر مثبت و افزایش‌دهنده دارد و متغیر احساس تعلق اجتماعی بر اقدام به طلاق تأثیر منفی و کاهش‌دهنده دارد.

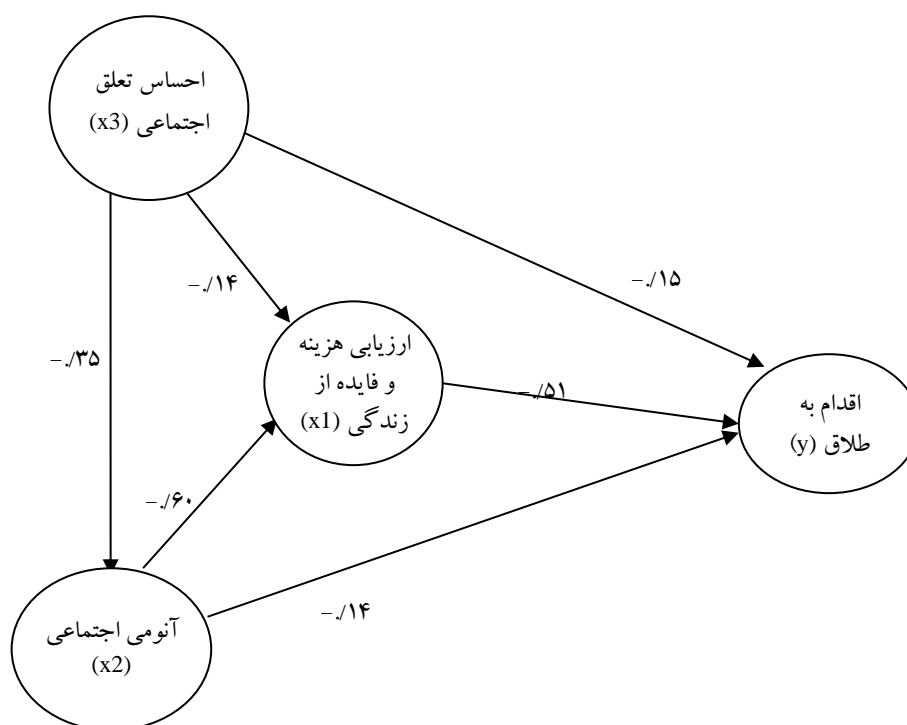
در جدول ۹ مجموع تأثیرات مستقیم و غیرمستقیم متغیرهای مستقل ناشی از تحلیل‌های رگرسیونی ارائه شده است. مطابق نتایج تحلیل مسیر، بیشترین تأثیر بر اقدام به طلاق، به ترتیب مربوط به ارزیابی هزینه و فایده از زندگی، آنومی اجتماعی و احساس تعلق اجتماعی است. متغیر ارزیابی هزینه و فایده از زندگی به طور مستقیم و متغیرهای آنومی اجتماعی و احساس تعلق اجتماعی هم مستقیم و هم غیرمستقیم بر اقدام به طلاق تأثیر گذارند. در این تحلیل برای تعیین میزان تأثیر متغیرهای مستقل بر اقدام به طلاق، از رگرسیون خطی با روش Enter استفاده شده است.

جدول ۹ مجموع تأثیرات مستقیم و غیرمستقیم متغیرهای مستقل و مداخله‌گر بر متغیر وابسته

متغیر مستقل	اثرات مستقیم	اثرات غیرمستقیم	مجموع تأثیرات مستقیم و غیرمستقیم هر متغیر
ارزیابی هزینه و فایده از زندگی (x1)	۵۱٪	-	۵۱٪
آنومی اجتماعی (x2)	۱۴٪	۳۰٪	۴۴٪
احساس تعلق اجتماعی (x3)	۱۵٪-	۲۲٪-	۳۷٪-

مطابق شکل ۱ متغیر آنومی اجتماعی مستقیماً ۱۴٪ در اقدام به طلاق تأثیر افزایش‌دهنده دارد و به طور غیرمستقیم از طریق متغیر ارزیابی هزینه و فایده ۳۰٪ و در مجموع (۴۴٪) بر اقدام به طلاق تأثیر افزایش‌دهنده دارد. متغیر ارزیابی هزینه و فایده مستقیماً (۵۱٪) بر اقدام به طلاق اثر گذار است. متغیر احساس تعلق اجتماعی مستقیماً (۱۵٪-) و به طور غیرمستقیم از طریق متغیرهای آنومی اجتماعی و ارزیابی هزینه و فایده (۲۲٪-) و مجموعاً (۳۷٪-) بر

اقدام به طلاق تأثیر کاهنده دارد. اولاً، تأثیر متغیر احساس تعلق اجتماعی بر اقدام به طلاق، آنومی اجتماعی و همین‌طور ارزیابی هزینه و فایده، کاهنده است. ثانیاً، تأثیر متغیر ارزیابی هزینه و فایده در اقدام به طلاق مثبت و افزایش‌دهنده است و ثالثاً، تأثیر آنومی اجتماعی بر ارزیابی هزینه و فایده مثبت و افزایش‌دهنده است. نتایج نشان می‌دهد شبکه اجتماعی و فامیلی و ارتباطات خانوادگی می‌تواند از طریق متغیرهای آنومی اجتماعی و ارزیابی هزینه و فایده بر کاهش اقدام به طلاق مؤثر باشد. از طرف دیگر متغیر ارزیابی هزینه و فایده در خود مقایسه اجتماعی و احساس محرومیت نسبی را نهفته دارد و به این دلیل می‌توان گفت ارزیابی هزینه و فایده زوجین از زندگی در واقع بُعد دیگری از آنومی اجتماعی است. به عبارت دیگر متغیرهای آنومی اجتماعی و ارزیابی هزینه و فایده متفقاً تأثیر قابل ملاحظه‌ای بر اقدام به طلاق زوجین کرجی دارند.



شکل ۱ مدل به دست آمده از ضرایب رگرسیونی تحقیق

بحث و نتیجه‌گیری

باتوجه به اینکه اکثر اقدام‌کنندگان به طلاق را زنان تشکیل می‌دهند، این نکته با این نظریه

دورکیم که طلاق با ساختار وسیع‌تر نظام اجتماعی پیوند دارد و بر زوجین تأثیر متفاوت دارد منطبق است. طبق بررسی‌های دورکیم ضریب مصونیت زنان ازدواج کرده پس از طلاق برعکس مردان افزایش می‌یابد. به دیگر سخن به همان اندازه که میزان طلاق رواج بیشتر می‌یابد و «ارتباطات زناشویی به آسانی، فراوان‌تر از هم بگسلد، زنان ازدواج کرده در مقایسه با مردان ازدواج کرده در وضعیت مساعدتری قرار می‌گیرند» (دورکیم، ۱۳۸۹، ص ۳۱۸). نتیجه منطقی این گفته این است که در زمانی که زوجین با یکدیگر در زیر یک سقف زندگی می‌کنند، شرایط به نفع مردان است، زیرا آداب و رسوم، امتیازهایی را برای مردان فراهم کرده است که علی‌رغم وجود مسائل و مشکلات پیش‌روی مردان، این امتیازها آن کاستی‌ها را جبران می‌کند؛ برعکس، ازدواج برای زنان در مقایسه با بهره‌مندی مردان از آن، امتیاز کم‌تری دارد و از آنجا که خواسته‌های او (زن) به‌طور طبیعی و از طریق فشارها و هنجارهای اجتماعی محدود شده، تحمل این شرایط سخت برای او آسان است؛ بنابراین هنگامی که طلاق گسترش می‌یابد زنان برعکس مردان آزادی و رهایی بیشتری می‌یابند و به همین دلیل است که طلاق یک موقیعت مناسب برای حمایت از زنان است و زن بیشتر بدان متوسل می‌شود (دورکیم، ۱۸۹۷، ترجمه سالارزاده، ۱۳۸۹، ص ۳۲۷).

مطابق با نظریه دورکیم، آنومی اجتماعی انواع مسائل اجتماعی را در پی دارد که در این پژوهش ارتباط آن با اقدام به طلاق مورد بررسی قرار گرفته است. نتایج آزمون تی (T) مستقل نشان می‌دهد که آنومی اجتماعی در دو گروه اقدام به طلاق و عدم اقدام به طلاق تفاوت معناداری دارد؛ بدین معنا که هر قدر آنومی اجتماعی بیشتر باشد اقدام به طلاق بیشتر است و بالعکس. این امر با جهت‌گیری نظری پژوهش هم‌خوانی دارد. متغیر دیگر مورد بررسی، احساس تعلق اجتماعی است که طبق نظر دورکیم تأثیر کاهنده بر آنومی اجتماعی دارد. بدین معنا که هر قدر افراد بیشتر به خانواده و اقوام و نزدیکان احساس وفاداری کنند و وابستگی و روابط متقابل بیشتری با یکدیگر داشته باشند کم‌تر دچار آنومی شده، یا این که کم‌تر تحت تأثیر شرایط آنومیک قرار می‌گیرند. آزمون تی (T) مستقل رابطه بین احساس تعلق و اقدام به طلاق مؤید این نظریه است.

متغیر مهم و اثرگذار دیگر که در این پژوهش مورد بررسی قرار گرفته است، متغیر ارزیابی هزینه و فایده است. منظور از ارزیابی هزینه و فایده از زندگی این است که در مجموع شرکا در یک رابطه زناشویی مشترک چقدر احساس فایده یا ضرر کنند. هرگاه این رابطه نتایج سودمندی برای طرفین داشته باشد تداوم می‌یابد و اگر منافع متقابل حفظ

نشود احتمالاً قطع خواهد شد. اگر همسران از زندگی خود ناخشنود باشند و رابطه همچنان تداوم یابد دلیل آن احتمالاً می‌تواند محدودیت‌ها و فشارهای دیگری مانند عدم تأیید گروه هم‌سالان، گروه خویشاوندان، وجود فرزندان و ... باشد. همان‌طور که پیش‌تر بیان شد از آنجا که هرگونه ارزیابی از زندگی مشترک در مقایسه با دیگران صورت می‌گیرد می‌تواند نوعی احساس محرومیت نسبی و آرزو و نیازهای جدید در افراد ایجاد کند. این امر بدین معنی است که متغیر ارزیابی زوجین از هزینه و فایده می‌تواند بعد دیگری از آنومی اجتماعی تلقی شود که منطبق با جهت‌گیری کلی نظری است. وقتی زوجین به‌طور مداوم به ارزیابی دائمی از زندگی و سبک سنگین کردن آن می‌پردازند آن را با دیگران هم‌سنخ و هم‌تراز خود مقایسه می‌کنند و بالاتر بودن این مقایسه در گروه اقدام‌کنندگان به طلاق به منزله آنومی بیشتر در گروه اقدام‌کنندگان به طلاق است. این یافته نشان‌دهنده تغییر ارزش‌های سنتی خانواده‌های کرجی و تمایل آن‌ها به ارزش‌های مدرن و جدید است. ارزش‌های سنتی که کنترل‌کننده، هنجاربخش و الزام‌آور هستند، رفته‌رفته جایگاه خود را در میان خانواده‌های ایرانی از دست می‌دهند و جای خود را به ارزش‌های مدرن می‌دهند. اما تغییر این شرایط در خانواده ایرانی دلایل متعددی دارد از جمله: کاهش قدرت مردان در تأمین همه منابع زندگی، افزایش قدرت زنان به دلیل حضور بیشتر آنان در بازار کار و محیط‌های اجتماعی، تغییر ارزش‌ها و نگرش‌های زوجین و رواج بیشتر مادی‌گرایی، کم شدن روابط خویشاوندی و فامیلی که در نتیجه آن محدودیت‌ها و فشارهای سنتی گذشته بر افراد کاهش یافته است. این یافته با روند تغییرات جهانی در امر طلاق نیز هم‌خوانی دارد. بدین معنا که امر ازدواج از یک تعهد سنتی مقدس همیشگی به زندگی مشترک موقت در حال تغییر است. البته این امر هنوز قابل تسری برای اکثر خانواده‌های ایرانی نیست، چراکه خانواده ایرانی با تمامی مشکلات خود، هنوز مسئولیت اصلی حمایت از اعضای خود را بر دوش می‌کشد؛ با وجود این، ارزش‌های خانواده‌های ایرانی نیز به تبع تغییر ارزش‌ها در جامعه ایرانی و همسو با تغییرات جهانی در حال بازتعریف و تغییرات اساسی است.

منابع

- آزاد ارمکی، ت.، شریفی ساعی، م.ح.، ایثاری، م.، و طالبی، س. (۱۳۹۱). هم‌خانگی: پیدایش شکل‌های جدید خانواده در تهران. *جامعه‌پژوهی فرهنگی*، ۱، ۷۷-۴۳.
- آزاد ارمکی، ت.، و شریفی ساعی، م.ح. (۱۳۹۷). *تغییرات، چالش‌ها و آینده خانواده ایرانی*. تهران: تپسا.
- آزاد ارمکی، ت. (۱۳۹۱). *بنیان‌های فکری نظریه جامعه ایرانی*. تهران: نشر علم.

- آزاد ارملی، ت. (۱۳۹۴). *جامعه‌شناسی خانواده ایرانی*. تهران: سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاه‌ها (سمت).
- اباذری، ی.ع. (۱۳۹۳). *جامعه، بازار، غ.ر. غفاری و م.ر. جوادی یگانه (ویراستاران)*. گزارش وضعیت اجتماعی کشور (کتاب: چکیده). ۲۰۸-۲۰۳.
- امیرکافی، م. (۱۳۸۷). *بررسی احساس امنیت و عوامل مؤثر بر آن (مورد مطالعه: شهر تهران)*. *جامعه‌شناسی مسائل اجتماعی ایران*، ۱، ۲۶-۱.
- بلیکی، ن. (۱۹۹۳). *استراتژی‌های پژوهش اجتماعی*. ترجمه ه. آقاییگ پوری (۱۳۹۲). تهران: جامعه‌شناسان.
- بیرو، آ. (۱۹۶۶). *دایره‌المعارف علوم اجتماعی*. ترجمه ب. ساروخانی (۱۳۸۰). تهران: کیهان.
- بیکر، ت. (۱۹۹۹). *نحوه انجام تحقیقات اجتماعی*. ترجمه ه. ناییبی (۱۳۸۲). تهران: روش.
- پاک سرشت، س.، و صفری، ب. (۱۳۹۲). *بررسی تجربی ناسازگاری پایگاهی و پیامدهای سیاسی آن*. *جامعه‌شناسی ایران*، ۳، ۳۰-۳.
- پناهنده، س.ع.م. (۱۳۸۶). *بررسی ماهیت حقوقی و عناصر و ارکان طلاق خلع و مبارات*. *دادرسی*، ۴۴-۴۹.
- پنجه‌بند، س.ی.، و عنایت.ح. (۱۳۹۸). *واکاوی فرایند انتخاب همسر از نگاه مردان طلاق داده. توسعه اجتماعی*، ۱، ۱۴۸-۱۲۷.
- چراغی، م.، مظاهری، م.ع.، موتابی، ف.، پناغی، ل.، و صادقی، م.ا. (۱۳۹۴). *مقایسه ارتباط با خانواده همسر در زنان و مردان متأهل ایرانی*. *خانواده پژوهی*، ۴۱، ۷-۳۲.
- خوشرو، غ.ع. (۱۳۷۴). *تجدد و اخلاق در آثار دورکیم و پارسنز*. *نامه فرهنگ*، ۱۹، ۶۰-۶۶.
- دواس، د.ا. (۱۹۹۵). *بیمایش در تحقیقات اجتماعی*. ترجمه ه. ناییبی (۱۳۷۶). تهران: نشر نی.
- دورکیم، ا. (۱۹۶۰). *دوگانگی طبیعت بشری و شرایط اجتماعی آن*. ترجمه م. گلچین (۱۳۷۵). *علوم اجتماعی*، ۱۰، ۱۳۹-۱۶۲.
- دورکیم، ا. (۱۸۹۷). *خودکشی*. ترجمه ن. سالارزاده امیری (۱۳۷۸). تهران: دانشگاه علامه طباطبایی.
- دورکیم، ا. (۱۸۹۳). *دربارۀ تقسیم کار اجتماعی*. ترجمه ب. پرهام (۱۳۸۱). تهران: نشر مرکز.
- دورکیم، ا. (۱۹۶۹). *درس‌های جامعه‌شناسی: فیزیک اخلاقیات و حقوق (بوردو، ۱۹۰۰-۱۸۹۰)*. ترجمه س. ج. موسوی (۱۳۹۱). تهران: نشر نی.
- رجبی، غ.، بخشی‌پور، ب.، و عباسی، ق. (۱۳۹۲). *بررسی و مقایسه نظریه همسان‌همسری براساس ویژگی‌های شخصیتی. مشاوره و روان‌درمانی خانواده*، ۴(۱۶)، ۶۷۳-۶۸۹.
- رفیع‌پور، ف. (۱۳۶۸). *کندوکاوها و پنداشته‌ها: مقدمه‌ای بر روش‌های شناخت جامعه و تحقیقات اجتماعی*. تهران: سهامی انتشار.
- رفیع‌پور، ف. (۱۳۸۲). *تکنیک‌های خاص تحقیق در علوم اجتماعی*. تهران: شرکت سهامی انتشار.
- رفیع‌پور، ف. (۱۳۷۶). *توسعه و تضاد: کوششی در جهت تحلیل انقلاب اسلامی و مسائل اجتماعی ایران*. تهران: مرکز چاپ و انتشارات دانشگاه شهید بهشتی.
- رفیع‌پور، ف. (۱۳۷۸). *آنومی یا آشفتگی اجتماعی: پژوهشی در زمینه پتانسیل آنومی در شهر تهران*. تهران: سروش.
- رفیع‌پور، ف. (۱۳۸۶). *سرطان اجتماعی فساد: پژوهشی با حمایت فرهنگستان علوم*. تهران: شرکت سهامی انتشار.

- ساروخانی، ب. (۱۳۹۳). مقدمه‌ای بر جامعه‌شناسی خانواده. تهران: سروش.
- ساروخانی، ب. و نویدنیا، م. (۱۳۸۵). امنیت اجتماعی خانواده و محل سکونت در تهران. *رفاه اجتماعی*، ۱۰۶-۸۷.
- صادقی فسایی، س. و، و ایشاری، م. (۱۳۹۷). سنخ‌شناسی الگوهای بازسازی زندگی پس از طلاق. *علوم اجتماعی*، ۲، ۳۲-۱.
- طالبی، ا.، سعیده، ا. و پارسا، ط. (۱۳۹۴). بررسی تأثیر احساس آنومی بر امکان کنش ارتباطی (مورد مطالعه: شهر مشهد)، *بررسی مسائل اجتماعی ایران*، ۶، ۵۱-۷۰.
- علی‌مندگاری، م. (۱۳۹۳). نگرش نسبت به طلاق و عوامل مؤثر بر آن در بستر گذار دوم جمعیتی در شهر تهران. رساله دکتری. دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه تهران.
- فکوهی، ن. (۱۳۹۸). آیا جامعه ایران وارد دوره‌های آنومیک شده است؟. خبرگزاری جمهوری اسلامی.
- قانع‌ی راد، م. (۱۳۹۶). *زوال پدرسالاری: فروپاشی خانواده یا ظهور خانواده مدنی*. تهران: نقد فرهنگ.
- کاظمی‌پور، ش. (۱۳۷۸). الگویی در تعیین پایگاه اجتماعی - اقتصادی افراد و سنجش تحریک اجتماعی. *نامه علوم اجتماعی*، ۱۴، ۱۳۹-۱۷۲.
- کرلینجر، ف. ا. (۱۹۸۲). *رگرسیون چندمتغیری در پژوهش رفتاری (با اضافات و تجدیدنظر)*. ترجمه ح. سرائی (۱۳۸۴). تهران: سمت.
- کوثری، م. و نجات‌حسینی، م. (۱۳۸۸). پتانسیل آنومی اجتماعی در مناطق حاشیه‌ای شهر تهران. تهران: دانشگاه آزاد اسلامی، معاونت پژوهشی، دفتر گسترش علم.
- گلدنر، آ. (۱۹۹۰). *جامعه‌شناسی*. ترجمه م. صبوری (۱۳۷۹). تهران: نشر نی.
- مرجایی، س. ه. (۱۳۸۲). *سنجش و بررسی احساس آنومی در میان جوانان*. تهران: مطالعات جوانان.
- معیدفر، س. (۱۳۸۵). *جامعه‌شناسی مسائل اجتماعی ایران*. تهران: نور علم.
- مستمع، رضا، ساروخانی، ب. و و ثوقی، م. (۱۳۹۷). بررسی عوام مؤثر بر آنومی اجتماعی در خانواده شهری و پیامدهای آن (مورد مطالعه: شهر تهران). *مطالعات امنیت اجتماعی*، ۵۳، ۱-۳۱.
- میرسپاسی، ع. (۱۳۸۸). *اخلاق در حوزه عمومی: تأملاتی در باب ارزش‌ها و نهادهای دموکراتیک*. تهران: نشر ثالث.
- ناطق‌پور، م. ج. (۱۳۸۳). توسعه و تعلق اجتماعی با تأکید بر نقش شوراها و شوراهای اسلامی. *آموزش علوم اجتماعی*، ۲۵، ۳۲-۲۸.
- نایی، ه.، معیدفر، س.، سراج‌زاده، س.، و فیضی، ا. (۱۳۹۶). تئوری آنومی دورکیم و مرتون: شباهت‌ها، تفاوت‌ها و شیوه‌های اندازه‌گیری. *رفاه اجتماعی*، ۹-۵۱.
- نبوی، س.، حسین‌زاده، ع. ح. و حسینی، ه. (۱۳۸۹). بررسی تأثیر پایگاه اجتماعی - اقتصادی و هویت قومی بر اساس امنیت اجتماعی. *دانش انتظامی*، ۲ (۳۹)، ۳۸-۹.
- یاری، ح. و هزارجریبی، ج. (۱۳۹۱). بررسی رابطه احساس امنیت و اعتماد اجتماعی در میان شهروندان (مطالعه موردی ساکنان شهر کرمانشاه). *پژوهش‌های راهبردی امنیت و نظم اجتماعی*، ۴، ۵۸-۳۹.
- Anderson, L. (2016). Gender, family life course and attitude towards divorce in Sweden'. *Acta Sociological*, 59 (1), 51-67. Sage.
- Encyclopaedia Britannica: Anomie (sociology) (2019). www.britannica.com.

- Gelles, R. J. (1995). *Contemporary family: A sociological view*. Thousand Oaks, CA: SAGE Publications Inc.
- Kuper, A.B., & kuper, J. (1998). The social science. *Encyclopedia*, London: Routledg.
- Gelles, R.J., & Straus, M.A. (1988). *Intimate violence, The causes and consequences of abuse in the American family*. New York: Simon
- Lamanna, M. A. (2002). *Emile Durkheim on the Family*. Sag Publications Printed in the United States of America.
- Miller, Jr., & Harold, L. (2016). *The SAGE Encyclopedia of Theory in Psychology*(ed).
- Newman, D. M. (2009). *Families:a sociological perspective*. McGraw-Hill.
- Scott, B. M., & Schwartz, M. A. (2000). *Sociology making sense the social world*. Allyn and Bacon.
- Vogler, C., & Pable, J. (1999). Money, power and inequality in marriage. *The sociology of the family*. Edited by Graham Allan. Black Well Publisher.
- www.en.wikipedia.org: Durkheim.
- Wing Chan, T., & Halpin, B. (2002) . Union Dissolution in the United Kingdom. *International Journal of Sociology*, 32:4, 76-93.
- White, J. M., Klein, D. M., Martin, T. F.(2015). *Family Theories: An introduction*. Forth Edition.